

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

علی صدارت

۱۰ جنوری ۲۰۱۷

## "منافع مشترک" نیرنگی کهنه! خیانتی پویا!

نقش قدرت‌های خارجی را در سرنوشتی که امروز نصیب خود کرده‌ایم، نباید و نمی‌توان نادیده گرفت و یا لاپوشانی نمود. نکته مهمی را که در این ماجرا حتماً نباید نادیده گرفت و قطعاً باید از فراموشی آن پیش‌گیری و هر اقدام لاپوشانی کننده آن را افشاء نمود، این مهم است که دخالت قدرت خارجی در ایران، هیچ‌گاه بدون کمک قدرت داخلی و یا کسانی که خود را گویا "ایرانی" می‌خوانند و خواهان به قدرت رسیدن بوده‌اند، نمی‌توانسته جامه عمل بپوشد. اگر نه در همه، که در بسیاری موارد، هم این قدرت‌پرستان داخلی بوده‌اند که برای این خیانت پا پیش گذاشته‌اند و به سراغ قدرت خارجی رفته‌اند. این مراجعات به قدرت‌ها در ابتداء می‌تواند حتی از گرفتن امکانات و پول باشد، ولی هرچه بگذرد، و هرچه میزان سرسپردگی عمیق‌تر می‌شود، این آلودگی بدخیم‌تر می‌گردد و کار به جایی می‌رسد که آن شخص و یا آن گروه، اگر هم پیشیمان شده باشد، راه برگشت برایش ناممکن می‌شود.

مانند هر خیانت دیگری، این خیانت هم بدون توجیه و دروغ و نیرنگ، غیرممکن است.

نیرنگ و تزویری که "منافع مشترک" است، این گونه توجیه می‌شود که برای به قدرت رسیدن و در روابط، می‌توان به مخرج مشترکی از منافع با طرف مخالف رسید. آن طرف مخالف، حتی می‌تواند دشمن باشد. ولی چنانچه با هر کسی، و حتی اگر با دشمن، بتوان بر سر آن قسمتی از منافع که به نفع هر دو طرف هستند به توافق رسید، ممکن است بشود به اهداف والا و متعالی خود دست یافت. با دستاویز کردن این حقه، بعضی گروه‌ها و افراد، برای گرفتن امکانات جهت از اریکه قدرت پائین کشیدن ولایت مطلقه و خود به قدرت رسیدن، حتی به صدام و عراق در حال جنگ با ایران هم رجوع کردند و بدین شکل به لیست منفور خائنین به وطن پیوستند.

سرنوشت ایران را در آئینه کشورهای منطقه نگاه کنیم. علت اصلی سرنوشتی که سوریه و لیبیا و... پیدا کرده‌اند، مراجعه افرادی از آن کشورها، به قدرت‌های خارجی بوده است. در بهار عرب، مردم سوریه هم برای سرنوشتی بهتر به جنبش پرداختند. ولی غفلت مهلکی که این بهار را به زمستان مبدل کرد، کم بها دادن به استقلال و سایر حقوق ذاتی بشر بود. لازم بود که مردم این کشورها، از همان ابتدای این خیانت‌ها، حساسیت فراوانی به مراجعه به قدرت‌های خارجی نشان می‌دادند و مراجعه کننده‌ها را، در صورتی که حاضر به بازگشتن به دامن ملت نبودند، افشاء و طرد می‌کردند.

متأسفانه امروز هم شاهدیم که بعضی "ایرانیان" برای گرفتن امکانات و کمک‌های گوناگون، چشم نیاز به قدرت‌های خارجی بسته‌اند و دست‌آزاد به سوی انواع قدرت‌های خرد و کلان در شرق و غرب گیتی دراز کرده‌اند و کاسه‌گدائی به‌دست، با بی‌شرمی، در درگاه هر قدرتی که از در راهشان بدهند به دربیوزگی مشغول هستند. عریضه‌نویسی جهت چاه جمکران آقای ترمپ، محدود به آقای پهلوی نشد و متکدیان بین‌المللی دیگری هم برای از قافله عقب نیفتادن همین کار را کردند.

قبل از آن، از مواجب‌بگیران از دولت ترکیه هم مطالبی منتشر شد و باز قبل از آن، بعضی افرادی که در مقام‌هایی در احزاب کردستان هستند، به میهن‌پرستی و یکپارچه‌طلبی که در اکثریت هموطنان کرد سراغ داریم، دوباره توهین کردند و خود از این خیانت خود، پرده برداشتند.

قدرت‌های داخلی ایران و دستگاه مغزشوئی آنها هم باز از این موضوع، استفاده تبلیغاتی کردند و برای خدشه‌دار کردن چهره مبارزان حقوق‌مند و استقلال‌طلب و آزادی‌خواه، این ننگ را به حساب همه نیروهای مخالف نظام ولایت مطلقه نوشتند. در صورتی که می‌دانیم که نزد همه نیروهای خواهان استقلال و آزادی و حقوق‌مندی، مراجعه به قدرت خارجی برای سرنگونی رژیم ولایتی، یک تابو و یا گناه کبیره است و اصولاً نقض غرض است.

عدم مراجعه به قدرت‌ها و خودانگیختگی و اتکاء به خود، اعتماد به نفس فردی و اعتماد به نفس ملی، از بارزترین وجوه تمایز نیروهای است که واقعا خواستار برپائی و پویائی و پیشبرد مردم‌سالاری واقعی در وطن هستند.

ولی باز هم قبل از آن، در دوران مرجع انقلاب، خیانتی که دزدیده شدن انقلاب را توسط ضدانقلاب میسر نمود و مسیر سرنوشت ایران و ایرانی را از استقلال و آزادی و صلح، به وابستگی و خفقان و خشونت کشید، اشغال سفارت امریکا در تهران و به گروگان گرفتن مقامات آن سفارت برای ۴۴ روز بود. قدرت‌های خارجی، تاب تحمل یک سامانه مردم‌سالار و حقوق‌مند را در ایران نداشته و ندارند و نخواهند داشت و این واقعیت، به کودتای ۲۸ مرداد [اسد] ۱۳۳۲ ختم نشد و در کودتای خرداد [جوزا] ۱۳۶۰ تکرار شد.

وقتی که زورپرستان و قدرت‌مداران داخلی دیدند که در اقلیت هستند (آقای بهشتی در اینجا [alisedarat.com/1394/11/02/3020](http://alisedarat.com/1394/11/02/3020) اعترافی صریح می‌کند) و مردم هرچه بیشتر از آنها روی‌گردان می‌شوند و به طرفداران استقلال و آزادی رویکرد نشان می‌دهند، با معامله با قدرت‌های خارجی، از آزاد شدن گروگان‌ها جلوگیری کردند و آنرا تا دقیقاً ساعتی که ریگان مراسم سوگند ریاست جمهوری امریکا را اجراء می‌کرد، به تعویق انداختند. در این ناهنجار، ساز "منافع مشترک" بازی‌گران مختلف این کمدی تراژیدی قدرت‌پرستی، در چندین زمینه با هم هم‌کوک شد که فقط چند مورد را در ذیل، یادآور می‌گردم:

قدرت‌پرستان امریکائی، طبق تحقیقاتی ([alisedarat.com/category/asnad-gerogan](http://alisedarat.com/category/asnad-gerogan)) که در خود امریکا منتشر گشته است، گروه ریگان و بوش، برای پیروزی در انتخابات ۱۹۸۰ ریاست جمهوری امریکا، به "اکتوبر سورپرایز" نیاز داشتند و با آقای خمینی و گردانندگان حزب جمهوری اسلامی، زد و بندی خیانت‌آمیز را اجرائی کردند که به واسطه آن توافق، قرار شد که گروگان‌ها تا بعد از انتخابات ریاست جمهوری امریکا، آزاد نشوند که این به مثابه شکست بزرگی برای کارتر، محسوب شود و به انتخاب شدن ریگان بینجامد. و به این ترتیب، آنچه واقع شد این بود که همه گروگان‌ها را از شهرستان‌ها به تهران آوردند و حتی آن‌ها مدت‌ها در هواپیما نگه داشته بودند که آزادی آن‌ها، کاملاً با مراسم سوگند خوردن رئیس جمهوری ریگان، هم‌زمان شود.

قدرت‌پرستان انگلیسی، "منافع" خود را در ایجاد و ادامه جنگ عراق علیه ایران یافتند و طبق گفته آلن کلارک ".... جنگ عراق با ایران منطبق با منافع انگلیس بود و ما شرایط ایجاد و ادامه آنرا فراهم کردیم...." (نقل به مضمون)

آن دسته قدرت پرستان داخلی که طرفدار تز "دیکتاتوری صالح" در ایران بودند، آنتی تز خود را طرفداران استقلال و آزادی و خشونت زدائی، یافتند و به این نتیجه رسیدند که گرچه شاخه قضائیه را در اختیار داشتند ولی به علت حضور وطن پرستان حقوقدانی که تا آن موقع هنوز موفق به "پاکسازی" آن‌ها نشده بودند، قادر نشدند که با رجوع به قانون اساسی، رئیس جمهور بنی صدر را عزل کنند. آن‌ها می دانستند که کشتار و شکنجه ارتشیان وطن پرست، نتیجه مطلوبشان را نداده است و صدام، خود را شکست خورده یافته است و قرار است سران کشورهای غیر متعهد، پیشنهاد صلح و پرداخت غرامت را در خرداد ۱۳۶۰ به ایران بیاورند. آن‌ها بر این عقیده بودند که اگر جنگ خاتمه یابد، و بحران‌های ساخته و پرداخته امثال آقایان **هاشمی رفسنجانی** و **خامنه‌ای** و **بهشتی** و.... خنثی شوند، آن‌چنان که خود به آقای **خمینی** گفتند، "...خود امام خمینی به اضافه تمام روحانیون هم حریف بنی صدر نمی شوند..." و "...بنی صدر سوار بر تانک‌ها برای فتح تهران، از جبهه‌ها باز می‌گردد...." (نقل به مضمون) این عده، که به قول خود آقای **بهشتی** در اقلیت بودند، منفعت خود را در ادامه گروگان‌گیری و اخلال در امر پایان جنگ و بالاخره حذف مانع ادامه جنگ با کودتا علیه وی در خرداد [جوزا] ۱۳۶۰، و ادامه جنگ به مدت هشت سال و کشته شدن صدها هزار انسان، یافتند.

شهید رشید صدر الحفاظی و شهید حسین نواب صفوی، از میان انبوه طرفداران استقلال و آزادی و مردم سالاری، شاهد خیانت قدرت مداران و حاکمان فعلی (امثال آقایان اکبر هاشمی رفسنجانی و بهزاد نبوی و خامنه‌ای و....) برای به قدرت رسیدن بودند و در راه عشق به وطن جان خود را گرو گذاشتند.

هر تعاملی که به جای حق و حقوق بشر، با سودای سود شروع شود، به ناچار، و از همان ابتداء، در ملغمه‌ای با صفرای زیان همگون می‌شود و طرفین پیوسته در عمل، به دنبال سودهای بیشتر برای خود، و زیان‌های فراوان‌تر برای طرف مقابل هستند و وای به وقتی که در این آلیاژ، یکی در موضع مسلط و دیگری در موقع زیرسلطه باشد. در این موضع مسلط انیرانی و این موقع زیرسلطه ایرانی، که متأسفانه داستان میهن ما در تاریخ معاصر بوده است، پیوسته سرنوشتی بدتر برای وطن و هموطن رقم زده شده است. این سرنوشت بد، بدون انفعال حداقل لازم مردم، غیر قابل تصور است. یادآوری پیوسته و به تکرار این مهم، به خود و به دیگران، برای یافتن سرنوشتی بهتر، حیاتی است.

اگر هدف را نه "نفع" که حق، نشانه‌گیری کنیم و به جای روش "منافع مشترک" در راه حقوق مشترک برای رسیدن به آن هدف قدم برداریم، افق کنش پیوسته گسترده‌تر می‌گردد و حق‌مداری، به جای سودمداری روش می‌شود، و مردم سالاری به جای قدرت سالاری، طبیعتاً و به ناچار، هدف آن روش خواهد گردید.

زمستان شدن بهار عرب، در مراحل متعددی ساخته و پرداخته شد. هیچ کدام (به تکرار: هیچ کدام!) از آن مراحل به علت عمل‌کرد در حقوق مشترک انسان‌ها نبود. تمام (به تکرار: تمام!) آن مراحل به علت تعامل در تنگنای دروغ "منافع مشترک" بود.

شانزدهم دی ماه [جدی] ۱۳۹۵ برابر با پنجم جنوری ۲۰۱۷